



مردم ما به دنبال تشرف‌اند نه تشبه / وقتی شیعیان غربال می‌شوند

مردم ما به دنبال تشرف‌اند ولی به دنبال تشبه نیستند. در حالی که آنچه از ما خواسته شده تبعیت است.

مردم ما به دنبال تشرف‌اند ولی به دنبال تشبه نیستند. در حالی که آنچه از ما خواسته شده تبعیت است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه سیزدهم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

امروز من دو بحث را مطرح می‌کنم. اول اینکه چه موضوعاتی در مباحث مهدویت مطرح است. دوم اینکه یک بحث کلی وجود دارد که ما تشویق و ترغیب می‌کند که به سوی امام زمان سیر داشته باشیم.

موضوعات متعددی هست از جمله اینکه پیشینه مهدی باوری، یا این باور که در آخرالزمان کسی خواهد آمد که منجی است و مصلح است، این به چه زمانی باز می‌گردد که آیا اختصاص به اسلام و شیعه دارد یا قبل تر از آن هم چنین اعتقادی وجود داشته است؟ به طور مسلم و قطع اعتقاد به منجی آخرالزمان یک بحث فطری است. در بین تمام اقوام و ملل این بحث مطرح بوده و ادیان آسمانی در مورد آن صحبت کرده‌اند.

اقوام و ملل و تمدن‌هایی که گرایش دینی هم نداشتند در این مورد صحبت کرده‌اند. ادیان غیر آسمانی مثل بویایی و هندی هم منتظر منجی هستند. یک کسی باید در دوره آخرالزمان بیاید و جهان را اصلاح کند و نجات دهد.

در مورد این موضوع مفصل صحبت خواهیم کرد.

اما موضوعاتی که مرتبط با این موضوع است این است که این فرد کیست؟ از کدام طایفه است و چه ویژگی‌هایی دارد و یاران او کیست و خصوصیات دوره آخرالزمان چیست؟ آن فرد که باید بر اساس عدل بین مردم داوری کند الان در قید حیات است؟ تبار او چه کسانی هستند؟ در کجا زندگی می‌کند؟ ما او را می‌بینیم؟ آیا ما می‌توانیم با او ارتباط برقرار کنیم؟ مراد از غیبت چیست؟ فایده امام غایب چیست؟

اگر این تیپ از سوالات جواب داده شود اولاً معرفت ما را بالا می‌برد و دوم اینکه موجب این معنا می‌شود که ما بتوانیم دین خود را حفظ کنیم. یعنی یکی از ثمرات این معرفت حفظ دین است.

نکته بسیار اساسی وجود دارد و آن این است که ما زندگی امام را به چهار بخش تقسیم می‌کنیم. دوره اول دوره اختفا و زندگی پنهانی است که این دوره از زمان ولادت حضرت یعنی نیمه شعبان سال ۲۵۵ تا هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ است که شهادت امام حسن عسکری است که در این زمان حضرت مخفیانه زندگی می‌کردند.

مقطع دوم دوره غیبت صغری است که از هنگام شهادت امام حسن عسکری تا پایان عمر چهارمین نائب خاص آن حضرت یعنی علی ابن محمد است. رحلت علی ابن محمد در روز نیمه شعبان سال ۳۲۹ هجری قمری اتفاق افتاده است. مختصات و رویه زندگی امام در این ۶۹ سال با آن ۵ سال ابتدایی کاملاً متفاوت است.

سومین دوره زندگی امام که با رحلت چهارمین نائب خاص شروع شده و تا امروز که ادامه پیدا کرده است و اینکه تا چه زمانی طول بکشد به دست حضرت حق است که به دوره غیبت کبری مشهور است. رویه امام در این دوره هم با آن دو دوره دیگر کاملاً متفاوت است.

چهارمین دوره هم دوره ظهور و حکومت امام است که توضیحات خاص خود را دارد.

ما الان در دوره غیبت کبری هستیم و من می‌خواستم قدری در مورد غیبت کبری صحبت کنم. وقتی به محضر روایات می‌رویم می‌بینیم که زندگی در دوره غیبت کبری برای مردم بسیار سخت است. زندگی ما فقط و فقط در گرو زندگی طبیعی نیست، انسان خلق شده تا خلیفه خدا بر زمین باشد نه اینکه لااقل؛ اولئك كالانعام بل هم اضل؛ باشد.

انسان دارای یک زندگی ارزشی است و این زندگی در دوران غیبت کبری بسیار دچار مخاطره می شود. حال من به چند روایت اشاره می کنم که ببینیم در مواجهه با این سختی ها باید چه بکنیم؟

اولین روایت از امام کاظم است که می فرماید: «لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبٍ حَتَّى يَرْجَعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ. إِمَّا هِيَ مِحَنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَمْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ»؛ یعنی صاحب این امر (ولایت و امامت) غیبتی دارد که (در آن) معتقدان به امامت (هم) از اعتقاد خود بر می گردند. این مسئله (غیبت) چیزی نیست جز امتحانی از جانب خدا که خلق خود را به وسیله آن می آزماید.

حضرت کاظم می فرماید بیشتر کسانی که به او اعتقاد دارند هم از او روی می گردانند. سختی تا کجا ادامه دارد؟ سختی را از زمان امام باقر(ع) بشنویم:

جابر از امام باقر سوال می کند که یابن رسول الله فرج شما چه زمانی حاصل می شود؟ حضرت فرمودند: «هیهات هیهات لا یكون فرجنا حتی تغربوا ثم تغربوا ثم تغربوا حتی یذهب الکدر و یبقی الصفاء»؛ یعنی فرج ما حاصل نمی شود تا این که شما مردم غریب شوید، دوباره غریب شوید و سه باره غریب شوید، تا افراد گنه کار بروند و پاکان بمانند.

این همان اتفاقی است که در کربلا افتاد. چند هزار نفر با امام بودند؟ ولی شبی که قرار بود همه با امام باشند، غریب اتفاق افتاد. غریب از دو هزار نفر جمعیت حداقلی همراه امام به چهل نفر رسید. سی و دو نفر هم روز بعد آمدند.

نکته ای که وجود دارد این است که اگر ما بخواهیم بدانیم که در این غریب وجود داریم و وضعیت خود را بسنجیم باید وظایف خود را در عصر غیبت بدانیم. شیعه در هر دوره ای وظیفه ای بر عهده دارد باید آن وظیفه را شناخت و به آن عمل کرد.

امام صادق به یکی از اصحاب فرمودند چرا به دیدن ما نمی آیید؟ گفتند ما راهمان خیلی دور است و همیشه نمی توانیم به خدمت شما مشرف شویم. حضرت گفتند خب به دیدار برادران دینی خود بروید و گره از کار آنها باز کنید انگار به دیدن ما آمده اید. من می خواهم وظیفه خود را مشخص کنیم.

خیلی ها سفر سه شنبه های مسجد جمکران را تاکید دارند که من اصلاً منکر آن نیستم ولی از بقیه چیزها غافل اند. مردم ما به دنبال تشرف اند ولی به دنبال تشبه نیستند.

ما می خواهیم به محضر امام برسیم ولی نمی خواهیم از امام تبعیت بکنیم، آنچه از ما خواسته شده تبعیت است.

گفتیم که دوران غیبت برای ما دوران سختی است. روایت دیگری عرض می کنم که این معنا را تأیید می کند. روایات در این مورد زیاد است.

امام صادق فرمودند: «أما والله لیغیبن امامکم سنیناً من دهرکم و لیمحصن حتی یقال مات قتل هلك بای واد سلک و لتدمعن علیه عیون المومنین و لتکفان کما تکفأ السفن فی امواج البحر فلا ینجو الا من اخذالله میثاقه و کتب فی قلبه الایمان و أیده بروح منه و لترفعن اثنتا عشرة رایة مشتهرة لایدری ای من ای.»؛

یعنی به خدا قسم امام شما از نظرتان سالیان دراز غایب خواهد شد و بدین وسیله امتحان و آزمایش خواهید شد تا اینکه برخی خواهند گفت او مرده یا کشته شده یا به هلاکت رسیده یا اینکه در کدام بیابان سرگدان است. دیده مومنان بر او گریان خواهد بود. شیعیان را تزلزل و اضطراب عجیبی فرا می گیرد بدان گونه که کشی طوفان زده در میان امواج متلاطم گرفتار آید. از این اضطراب و طوفان جز کسانی که خداوند از آنها پیمان گرفته است و ایمان در دل آنها رسوخ کرده و به تأیید الهی موید باشند، نجات نمی یابند. در آن ایام دوازده پرچم برافراشته خواهد شد که معلوم نیست کدام بر حق است.

یعنی امامی را که روایت در مورد آن می فرماید اگر از روزگار تنها یک روز باقی مانده خدا آنقدر آن روز را طولانی می کند تا ظهور محقق شود، آنوقت عده ای از مومنان نه برای فراق امام زمان بلکه برای کشته شده او گریه می کنند.

رسول گرامی اسلام فرمودند که تعداد کسانی که قائل به امامت امام زمان هستند خیلی کم خواهند بود. حضرت در یک

روایت طولانی فرمودند: «ان علیا وصیی و من ولده القائم المنتظر المدی الذی یملاء الارض قسطا و عدلا کما مائت جورا وظلما والذی بعثنی بالحق بشیرا و نذیرا ان الثابتین علی القول بامامته فی زمان غیبة لا غز من الکبریت الاحمر»؛

یعنی به درستی که علی وصی من است و از اولاد او قائم منتظر مهدی است که پر میکند زمین را از عدل و داد همچنانکه پر شد باشد جور و ظلم بآن خدائی که مرا بحق مبعوث گردانیده بشارت دهنده و بیم دهنده بدرستی که ثابتین بر قول و عقیده به امامت آن حضرت در زمان غیبتش عزیزترند از کبریت احمر. (تعدادشان کم است)

اینها همه حکایت از این معنا می کند که کار در زمان غیبت سخت است. انسان برای اینکه از این طوفان سالم خارج شود باید مختصات آن را بشناسد. اگر نداند و باور نکند، دچار طوفان شده و ویران می شود. راه اول برای جلوگیری از ویرانی راه اول دانستن دوره غیبت امام زمان است.

باید اولاً بدانیم وظیفه ما در دوره غیبت چیست. یکی از مسائلی که در این آشفته بازار زیاد شده است مهدی های دروغین اند. راه جلوگیری از این چیست؟ ما از نظر فرهنگی باید درجاتی از اطلاعات را داشته باشیم. کسانی که زمین خورده این افراد هستند بخاطر بی اطلاعی شان بوده است.